



## نقش زنان روستایی و توانمندسازی آنان در مدیریت پایدار منابع طبیعی در حوزه‌های آبخیز

رقیه بابایی<sup>۱</sup>، اسماعیل کرمی دهکردی<sup>۲</sup>، مریم مختاری زنجانی<sup>۳</sup>

### چکیده

اکثر مردم روستایی، از جمله زنان روستایی در تعامل با منابع طبیعی بوده و معیشت خانوارهایشان به این منابع وابسته است. در این راستا، زنان روستایی با توجه به نقش مهمی که در تامین معیشت خانوارهای روستایی دارند، می‌توانند در برنامه‌های مدیریت پایدار منابع طبیعی نقش بسزایی را ایفا کنند. هدف این پژوهش بررسی نقش زنان در این برنامه‌ها و ضرورت توانمندسازی آنان در این زمینه با در نظر گرفتن مدیریت پایدار حوزه‌های آبخیز با استفاده از مرور و تحلیل اسناد و منابع کتابخانه‌ای است. نتایج بیانگر آن است ارتقای نقش زنان روستایی در مدیریت منابع مستلزم افزایش توانایی آنها از طریق مجموعه‌ای از برنامه‌های توانمندسازی است. مهمترین برنامه‌های ترویجی توانمندسازی زنان که در این عرصه می‌تواند اجرا شوند عبارتند از: تسهیل مشارکت فعال زنان در فرایندهای طراحی، اجرا و ارزشیابی پروژه‌های مدیریت منابع طبیعی از ابعاد حفاظت منابع و تنوع سازی معیشت خانوارها، افزایش مسئولیت‌پذیری آنها در این زمینه، تقویت یا ایجاد تشکل‌های اجتماع محور زنان روستایی، و تسهیل برنامه‌های بهبود دهنده دانش زنان از لحاظ آگاهی، مهارت‌ها و نگرشهای آنها. بهبود دسترسی زنان به منابع مالی از طریق تشکل‌های زنان نیز می‌تواند به توانمندسازی آنها کمک کند.

**کلمات کلیدی:** مدیریت پایدار منابع طبیعی، توانمندسازی، زنان روستایی

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه زنجان

<sup>۲</sup> دانشیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی دانشگاه زنجان

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد ترویج، اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان زنجان



## مقدمه

امروزه در اغلب کشورهای جهان، منابع طبیعی تجدیدشونده از جمله منابع آب، خاک، مراتع و جنگل‌ها در معرض تهدیدات جدی قرار گرفته است. مسایل موجود در زمینه تخریب منابع طبیعی در کشور ایران نیز مطرح شده‌اند و ضرورت مدیریت آن‌ها مورد توجه پژوهشگران، سیاستگذاران و کارشناسان مربوط قرار گرفته است. با توجه به این که قسمت اعظم منابع طبیعی کشور در محدوده مناطق روستایی و عشایری است، اکثر مردم روستایی به کشاورزی اشتغال دارند و فعالیت‌های شغلی آنان در ارتباط مستقیم با زمین و منابع طبیعی است، خانوارهای روستایی نیز جزء بهره‌برداران اصلی منابع طبیعی به شمار می‌روند. تنها چالش‌های منابع طبیعی بر آن‌ها اثر می‌گذارد، بلکه فعالیت‌های این بهره‌برداران به نوبه خود در افزایش چالش‌های منابع طبیعی موثرند. پس با توجه به ارتباط مستقیم روستاییان با این منابع، باید حفاظت و حمایت از منابع طبیعی به همراه بهبود معیشت خانوارهای روستایی در اولویت قرار گیرد (Karamidehkordi, ۲۰۱۰). با توجه به ارتباط تنگاتنگ خانوارهای روستایی با اراضی کشاورزی و منابع طبیعی، گروه‌های مختلف روستایی (مردان، زنان و جوانان) تحت تاثیر چالش‌های ذکر شده در زمینه منابع طبیعی قرار می‌گیرند. در مورد اهمیت نقش زنان روستایی در ارتباط با منابع طبیعی و فعالیت در بخش کشاورزی باید گفت که مطابق آمار فائو (۲۰۱۵)، از ۶/۴ میلیون نفر افرادی که در بخش کشاورزی در کشور ایران فعالیت می‌نمایند، ۳/۲ میلیون نفر را زنان (عمدتاً زنان روستایی) تشکیل می‌دهند. مطالعات مختلف نشان می‌دهد که زنان روستایی در زمینه تولیدات زراعی و دامی مختلف، فعالیت‌های بسیاری دارند و با منابع طبیعی در تعامل هستند (غنیان و همکاران، ۱۳۸۷؛ عسگری مقدم، ۱۳۸۷؛ مهدوی و همکاران، ۱۳۹۰ و هاتفی، ۱۳۹۲). از جمله این فعالیت‌ها عبارتند از: فعالیت آنان در ورود و خروج دام‌ها به مرتع، نحوه چرا، قرق مرتع، تولید نهال، آبیاری، وجین و سله شکنی مناسب خاک اراضی و غیره. همچنین زنان روستایی فعالیت‌های چشمگیری در زمینه حفظ منابع طبیعی دارند که مهم‌ترین این فعالیت‌ها عبارتند از: استفاده از محصولات فرعی جنگل‌ها و مراتع (مانند سقز، باریجه، شیرین بیان، خاکشیر، گل گاوزبان و غیره)، جایگزینی سوخت‌های فسیلی و صرفه جویی در مصرف سوخت هیزم، جمع‌آوری بذرهای بیابانی، بذریابی در مراتع، تکثیر و پرورش انواع گونه‌های سوزنی برگ و پهن برگ برای تامین چوب مورد نیاز، استفاده از گیاهان دارویی (بابونه، گلپر، پامچال) در معالجه برخی بیماری‌ها و تولید داروهای گیاهی، استفاده از گیاهان طبیعی برای تهیه برخی مواد غذایی، جمع‌آوری گیاهان طبیعی از نزارها و تولید صنایع دستی و حصیر، تولید محصولات غیرچوبی مانند عسل (Scheyvens, ۲۰۰۰; Shackleton, Paumgarten, Kassa, Husselman, & Zida, ۲۰۱۱). در زمینه مدیریت چالش‌های منابع طبیعی یکی از سیاست‌های کشور توانمندسازی و ظرفیت‌سازی جوامع روستایی از جمله زنان روستایی در راستای مدیریت پایدار حوزه‌های آبخیز است. ظرفیت‌سازی یا توانمندسازی زنان روستایی در یک جامعه موجب اعمال مدیریت مشارکتی می‌شود (وثوقی و قاسمی، ۱۳۹۳). بنابراین توجه به زنان روستایی و مشخص نمودن نیاز آنان به منظور مدیریت پایدار و جامع منابع طبیعی ضروری می‌باشد.

## روش‌شناسی

در پژوهش حاضر از ابزار کتابخانه‌ای و جستجوی اطلاعات در تدوین مبانی نظری موضوع استفاده گردیده است. در زمینه گردآوری اطلاعات پیرامون موضوع پژوهش، کاوش رایانه‌ای در شبکه‌های اطلاعات ملی و جهانی انجام گرفته است.

## یافته‌ها و بحث

### تخریب منابع طبیعی و چالش‌های مرتبط با آن

امروزه منابع طبیعی تجدید شونده (آب، خاک، جنگل و مراتع) در ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها نقش موثری دارند؛ با این وجود، در اغلب کشورهای جهان از جمله ایران، منابع طبیعی در معرض تهدیدات جدی قرار گرفته است. از جمله مهم‌ترین مسائلی که در این زمینه وجود دارد می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: تخریب جنگل‌ها و مراتع، شسته شدن سطح خاک‌های اراضی و فرسایش و فروپاشی ساختار آن‌ها، جاری شدن سیلاب‌های شدید، پایین رفتن سطح آب‌های زیرزمینی موجود و کیفیت آن‌ها، شوری آب‌های زیرزمینی، ایجاد رسوبات آبرفتی و ورود آن‌ها به مخازن سدها، از بین رفتن تعادل اکوسیستم‌ها و تغییرات نامطلوب اقلیمی، کاهش فرآورده‌های حاصل از جنگل‌ها و مراتع، عدم دسترسی و کمبود منابع آب و آلودگی آن، از بین رفتن اراضی مطلوب و تبدیل آن‌ها به اراضی نامرغوب و گسترده شدن سطح بیابان



ها و از این قبیل (هاتفی، ۱۳۹۲؛ مهدوی و همکاران، ۱۳۹۰؛ عسگری مقدم، ۱۳۸۷؛ اصغری لقمجانی و محبی، ۱۳۹۱؛ سید کلان و همکاران، ۱۳۹۰؛ Karamidehkordi, ۲۰۱۲; Pimentel & Burgess, ۲۰۱۳). عوامل مختلفی در تخریب منابع طبیعی موثرند. این عوامل به دو دسته عوامل طبیعی و انسانی تقسیم‌بندی می‌شوند. مهم‌ترین این عوامل در مناطق مختلف جهان و از جمله ایران عبارتند از: ازدیاد جمعیت فراوانی تعداد دام‌ها، چرای بی‌رویه و مفرط دام‌ها، چرای زودرس دام‌ها، وابستگی شدید به منابع طبیعی و بهره‌برداری بیش از حد از آن‌ها، تغییر کاربری اراضی و تبدیل مراتع به اراضی کشاورزی، قطع درختان جنگل‌ها، بوته‌کشی و تخریب مراتع برای ایجاد دیم‌زارها، بهره‌برداری غیر اصولی محصولات غیرعلوفه‌ای، فقدان برنامه‌ریزی‌های اصولی در بهره‌برداری از منابع طبیعی، نامشخص بودن مالک و مدیر اراضی مرتعی و مشاعی بودن بهره‌برداری‌ها، عدم آگاهی بهره‌برداران از اصول صحیح بهره‌برداری از منابع طبیعی، حقوق و سرمایه ناکافی افراد، کمبود در ارائه تسهیلات و اعتبارات و تکنولوژی‌های مناسب از سوی دولت، وجود فقر و مسائل اقتصادی-اجتماعی در جوامع (کریمی و کریمی‌دهکردی، ۱۳۹۴؛ اسحاقی و همکاران، ۱۳۹۲؛ محمودی و همکاران، ۱۳۹۰؛ ویسی و رضوانفر، ۱۳۸۵). بررسی‌های انجام گرفته در زمینه بحران‌های مرتبط با منابع طبیعی حاکی از آن است که در جهان طی ۴۰ سال گذشته نزدیک به ۴۰٪ اراضی با قابلیت کشت مناسب، تخریب شده‌اند (حسن‌شاهی و همکاران، ۱۳۸۸).

کشور ایران مساحتی به اندازه ۱۶۴ میلیون هکتار منابع طبیعی تجدید شونده دارد که از این مقدار ۸۴/۸ میلیون هکتار اراضی مرتعی را شامل می‌شود. اراضی مرتعی حدود ۴۳٪ از کل خشکی زمین و ۵۴٪ از سطح کشور ما را تشکیل می‌دهد (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۰). اراضی مرتعی در ایران وضعیت مناسبی ندارند؛ به طوری که در اثر استفاده بی‌رویه و فرسایش خاک، سالانه حدود ۱ میلیون هکتار از مراتع به لحاظ کمی و کیفی تخریب می‌شوند و سالانه ۱/۵ میلیون هکتار به سطح بیابانی افزوده می‌شود (لشگرآرا و همکاران، ۱۳۹۴). در سال‌های اخیر با وجود توجهات ویژه‌ای که در زمینه حفاظت جنگل‌ها و جنگل‌کاری انجام گرفته است نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد میزان بالایی از جنگل زدایی در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۵-۱۹۹۰ اتفاق افتاده است به طوری که به تفکیک در سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰، ۸/۳ میلیون هکتار و در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۰، ۷/۳ میلیون هکتار و در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۰، ۵/۲ میلیون هکتار جنگل زدایی تخمین زده شده است (Karamidehkordi, ۲۰۱۲). ایران نیز با ۱۴/۳ میلیون هکتار اراضی جنگلی و ۵/۳ میلیون هکتار اراضی با پوشش درخت جزء کشورهای با پوشش جنگلی پایین محسوب می‌شود (رضایی و همکاران، ۱۳۹۴). طبق برآوردها نیز در سال‌های اخیر سطح تخریب جنگل‌ها در کشور افزایش یافته است و ۶ میلیون هکتار از اراضی جنگلی کاهش یافته‌اند (Karamidehkordi, ۲۰۱۰). همچنین میانگین فرسایش خاک در ایران نیز ۲۰-۱۵ تن در هکتار در طول یک سال برآورد شده است و ۱۲۵ میلیون هکتار از اراضی کشور در معرض فرسایش شدید قرار دارند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۴). مقدار فرسایش خاک در کشور در سال ۲۰۰۰، ۳ میلیارد تن در سال بوده است که این مقدار در سال ۲۰۱۰، ۴/۵ میلیارد تن در سال افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۲ نیز میزان فرسایش خاک در کشور ۵-۵/۵ میلیارد تن در سال بوده است. آمارهای برآورد شده در زمینه مقدار فرسایش خاک در کشور در مقیاس جهانی بیانگر آن است که ۲۰٪ فرسایش طبیعی خاک‌ها و ۸۰٪ شستشوی خاک اراضی در نواحی مختلف ایران رخ می‌دهد و این آمار با توجه به سهم ۱/۱٪ ایران از مساحت خشکی جهان قابل توجه و تامل می‌باشد. طبق پیش‌بینی‌های انجام شده توسط سازمان ملل متحد در زمینه منابع آب، ایران تا سال ۲۰۲۵ جزء کشورهای دچار کمبود آب خواهد بود (مهردوست و همکاران، ۱۳۹۲).

## مدیریت پایدار منابع طبیعی

مدیریت پایدار منابع طبیعی، یکی از اساسی‌ترین شروط در تحقق توسعه پایدار کشاورزی و روستایی است. مدیریت پایدار منابع طبیعی تاکید بر چگونگی تاثیر مدیریت مناسب و اصولی منابع طبیعی همچون: آب، خاک، گیاهان، حیوانات بر زندگی انسان دارد که در این نوع مدیریت ضمن حفظ و بقای این منابع، استفاده مناسب و برنامه‌ریزی شده از آن‌ها به عمل آید. این مفهوم با مفهوم توسعه پایدار هم‌راستا بوده و تاکید بر درک فنی و علمی از منابع طبیعی مختلف و اکولوژی و ظرفیت آن منابع برای حمایت از زندگی و معاش انسان با در نظر گرفتن اصل پایداری در استفاده از این منابع دارد. مدیریت پایدار در منابع طبیعی فرآیندی یکپارچه و جامع است که در آن تعامل و ارتباط بین موسسات، تحرکات و پویایی‌های محیطی، فرآیندهای اقتصادی، فناوری‌های کاربردی و فرهنگ و آداب و رسوم محلی به خوبی لحاظ می‌گردد (حسن‌شاهی



و همکاران، ۱۳۸۸). مدیریت پایدار منابع طبیعی در گرو دانش، آگاهی و اطلاعات به روز بهره‌برداران روستایی و عشایری از این منابع است تا این بهره‌برداران به طور فعال در زمینه حفظ، احیاء و استفاده مناسب و اصولی از منابع طبیعی مختلف در دسترس‌شان، مشارکت داشته باشند و زمینه‌های لازم برای بهبود معیشت پایدار خانوارهای بهره‌برداران فراهم گردد. با توجه به افزایش جمعیت و به تناسب آن افزایش مسائل و چالش‌های ذکر شده در زمینه تخریب منابع طبیعی مختلف، در کشور تلاش‌های ناچیزی در زمینه مدیریت پایدار منابع طبیعی و توسعه پایدار کشاورزی صورت گرفته است. بنابراین در مناطق روستایی و عشایری، نیاز به اقدامات اساسی جهت مدیریت پایدار منابع و کشاورزی وجود دارد. به منظور ایجاد یکپارچگی در زمینه تولیدات کشاورزی، حفاظت از منابع طبیعی و بهبود معیشت خانوارهای روستایی و به ویژه کشاورزان خرده‌پا، یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های برنامه‌های آبخیزداری، ارزیابی و بهبود دانش و اطلاعات مردم و توانایی‌های آنان به منظور مشارکت آنان در فعالیت‌های مدیریت پایدار منابع طبیعی مختلف است (کریمی‌دهکردی و فرخی، ۱۳۸۸).

در جهت دستیابی به مدیریت پایدار و یکپارچه منابع طبیعی پنج سرمایه یا دارایی مورد نیاز است که این سرمایه‌ها تحت عنوان ابعاد مدیریت پایدار منابع طبیعی هستند و عبارتند از: الف) سرمایه طبیعی که شامل: خاک، زمین، آب، جنگل‌ها، منابع ژنتیکی، منابع دریایی، کیفیت هوا، فرسایش، حفاظت و تنوع زیستی، خدمات زیست محیطی (چرخه آب). ب) سرمایه فیزیکی که شامل: حمل و نقل، جاده‌ها، ساختمان‌ها، سرپناه، آب و بهداشت، انرژی، فن‌آوری و ارتباطات. ج) سرمایه مالی که شامل: سرمایه‌های پایه مانند بدهی یا پس‌انداز (نقدی و دارایی نقدینگی)، اعتبارات (رسمی و غیررسمی) و همچنین جریان داشتن سرمایه (انتقال دولتی و یا وجوه ارسالی)، زیرساخت‌های اساسی و تجهیزات برای تولید و فناوری. د) سرمایه انسانی شامل: آموزش، مهارت، دانش، سلامت، تغذیه، قدرت کار و نیروی جسمانی. سرمایه انسانی با شاخص‌هایی همچون سن و میزان تحصیلات افراد یک جامعه، تجربه افراد در زمینه فعالیت‌های مرتبط، تعداد اعضای مختلف خانوار در جامعه، میزان آگاهی افراد، مهارت‌های عمومی و تخصصی افراد و توانایی افراد برای انجام فعالیت‌ها و غیره مشخص می‌شود. و) سرمایه اجتماعی نیز شامل: شبکه اجتماعی، توانایی کار با یکدیگر، دسترسی به فرصت‌های کار، اعتماد، شبکه‌های ایمنی غیررسمی، عضویت در سازمانها، روابط اجتماعی، مطالبات، ارتباطات و انجمن‌ها می‌باشد (حسن‌شاهی و همکاران، ۱۳۸۸؛ کریمی‌دهکردی، ۱۳۹۴؛ قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۴) و (Woodhouse, ۲۰۰۱; Krantz, ۲۰۰۹; Gaillard, Maceda, Stasiak, Le Berre, & Espaldon, ۲۰۰۶; Adato & Meinzen-Dick, ۲۰۰۶; Howlett, & Rigby, ۲۰۰۰).

## نقش زنان در منابع طبیعی

در هر کشور زنان، جمعیت بالایی از نیروی انسانی را تشکیل می‌دهند که نقش موثری در تحقق سیاست‌ها و اهداف حاصل از برنامه‌ریزی‌های سیاستگذاران و برنامه‌ریزان در زمینه‌های مختلف: اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را دارند. باتوجه به این که زنان هر جامعه و به ویژه زنان روستایی دارای استعدادها و توانایی‌های بالقوه در زمینه فرهنگ سازی در جامعه، حفاظت و احیای منابع طبیعی هستند، بنابراین سیاستگذاران به منظور دستیابی به اهداف پایداری در حفظ منابع طبیعی، نباید از این قشر تاثیرگذار غافل باشند (عسگری مقدم، ۱۳۸۷). زنان به دلیل نقش مدیریتی که در خانواده در زمینه‌های مختلف: مدیریت آب، مدیریت غذا، مدیریت ضایعات و پسماندهای خانگی، مدیریت انتقال فرهنگ دارند (ضرابی، ۱۳۹۱)، همچنین نقش تربیتی زنان در خانواده‌ها، منجر شده است تا در آموزش عملی اصول بهره‌برداری مناسب از منابع طبیعی و محیط زیست و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی فعالیت‌های گسترده‌ای داشته باشند (اکبری، ۱۳۹۱). علاوه بر این، با ایجاد حساسیت در اعضای خانواده خود و اطرافیان نسبت به مسائل و مشکلات زیست محیطی و منابع طبیعی، نقش چشمگیری در حفظ و احیای آن دارند. بنابراین باتوجه به نقش پررنگ زنان در حفاظت از منابع طبیعی، باید سازمان‌های دولتی مرتبط با امور منابع طبیعی و محیط زیست، با ارائه برنامه‌های مناسب به سازماندهی نیروی انسانی موجود در جوامع به ویژه جامعه روستایی بپردازند. برای جلوگیری از خسارات ناشی از تخریب منابع طبیعی باید بهره‌برداری اصولی و مناسب از منابع طبیعی و محیط زیست انجام گیرد و این امر مهم با کمک اقشار مختلف جامعه از جمله روستاییان و زنان روستایی که نیمی از جمعیت فعال و تاثیرگذار در روستاها هستند، انجام پذیرد. زنان روستایی در صورتی می‌توانند در حفظ منابع طبیعی تاثیر قابل ملاحظه داشته باشند که از آگاهی و اطلاعات کافی در زمینه مسائل و معضلات حفظ منابع طبیعی برخوردار بوده و در امور مختلف آنمشارکت داده شوند. این امر نیز از طریق برنامه‌های ترویج مناسب امکان پذیر است. به کارگیری قشر زنان روستایی جهت ارائه آموزش‌های مربوطه و ارتقا سطح آگاهی آنان و انتقال آن اطلاعات به سایر افراد جامعه روستایی در مدیریت منابع طبیعی در



همین راستا است. انتقال و تسهیم اطلاعات از آن جهت توسط زنان بهتر و موثرتر صورت می‌گیرد که زنان روستایی در سطح وسیع‌تر، ارتباط بیشتر و نزدیک‌تری با طبقات مختلف جامعه روستایی دارند و جایگاه اجتماعی ویژه‌ای در خانواده و جامعه روستایی دارند. بنابراین برنامه‌ریزی‌های مناسب در جهت جلب مشارکت زنان روستایی و توجه به نیازها و آموزش آنان باید به طور جدی در برنامه‌های ترویج انجام پذیرد تا با بهره‌گیری از این نیروی انسانی توانمند و موثر در اجرای طرح‌های احیا، توسعه و بهره‌برداری بهینه و مناسب از جنگل‌ها، مراتع و منابع آب و خاک، حفظ و احیای منابع طبیعی به طور مناسب صورت گیرد. در کشور ما زنان روستایی با توجه به فعالیت‌هایی که در بخش کشاورزی و اقتصاد خانوار روستایی نقش دارند، محور اقتصادی خانوار روستایی هستند. زنان می‌توانند در مدیریت چرای دام و عملیات اصلاحی و احیایی مناطق بیابانی با فرهنگ‌سازی در این موارد، بر سایر اعضای خانوار تاثیر گذارند (عسگری مقدم، ۱۳۸۷).

در روستاها، فعالیت‌های شغلی افراد در ارتباط مستقیم با زمین و منابع طبیعی است. از آن جایی که زنان روستایی نیز سهم به‌سزایی در این فعالیت‌های شغلی از جمله فعالیت‌های زراعی-باغی، دامداری، ماهیگیری، فرآوری محصولات و بازاریابی آن‌ها و از این قبیل دارند، بنابراین در حفظ و احیای اراضی و منابع طبیعی نقش آن‌ها حیاتی است. همه این فعالیت‌ها با محیط زیست و منابع طبیعی در ارتباط تنگاتنگ است و از نحوه فعالیت آنان و بهره‌برداری اصولی آنان تاثیر می‌پذیرد. زنان روستایی در زراعت و باغداری در مراحل کاشت، داشت و برداشت محصولات، فرآوری، بسته بندی و فروش محصولات نقش مستقیم دارند. همچنین در زمینه دامپروری در مراحل نگهداری دام و طیور و تهیه محصولات تولیدی از آن‌ها و فروش و عرضه آن‌ها به بازار حضور فعال دارند. زنان روستایی در نگهداری و نظافت دام‌ها، انتقال فضولات آن‌ها و تغذیه آن‌ها، تهیه محصولات لبنی از آن‌ها، استفاده از فضولات آن‌ها به عنوان مواد سوختی، پرورش کرم ابریشم و زنبورداری فعالیت عمده ای دارند و در نتیجه به طور قابل ملاحظه با منابع طبیعی و محیط زیست ارتباط دارند و حفاظت و احیای منابع طبیعی بدون در نظر گرفتن این قشر فعال روستایی قابل تحقق نیست (غنیان و همکاران، ۱۳۸۷). زنان روستایی فعال در بخش کشاورزی به دلیل استفاده از روش‌های تولیدی سنتی و غیرمکانیزه منجر به تخریب کمتر منابع می‌شوند. همچنین زنان روستایی در زمینه دامداری فعال هستند به طوری که ۲۳ درصد از چرای دام‌ها و ۴۱ درصد تعلیف دام‌ها در مناطق روستایی توسط زنان انجام می‌گیرد.

### توانمندسازی زنان روستایی در مدیریت پایدار منابع طبیعی

توانمندسازی زنان برای حمایت از نقش مردم محلی در مدیریت منابع طبیعی یک رویکرد جدید است و می‌تواند ناشی از منابع متعدد باشد (Nunan, ۲۰۰۶). برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، سومین هدف از هشت هدف توسعه هزاره است. این یک هدف مهم و کلیدی است که به صراحت به عنوان یک ارزش والا بیان شده است و به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف دیگر است (Kabeer, ۲۰۰۵). در زمینه مدیریت چالش‌های منابع طبیعی یکی از سیاست‌های کشور توانمندسازی و ظرفیت‌سازی جوامع روستایی از جمله زنان روستایی در راستای مدیریت پایدار حوزه‌های آبخیز است. ظرفیت‌سازی یا توانمندسازی زنان روستایی در یک جامعه موجب اعمال مدیریت مشارکتی می‌شود (وئوقی و قاسمی، ۱۳۹۳). توانمندسازی فرآیندی پویا است و مفهوم چند بعدی دارد و برای افراد گروه مورد هدف (زنان روستایی)، امکان درک و تحلیل واقعیت‌های موجود پیرامون آن‌ها را فراهم می‌کند تا بر اساس توانایی‌ها و استعدادها خود برای تغییر شرایط نامطلوب و رسیدن به شرایط ایده‌آل تلاش کنند (رضایی و زارعی، ۱۳۹۳).

در زمینه توانمندسازی زنان روستایی نظریه‌های گوناگونی ارائه شده است که برخی از آن‌ها به دلیل زن بودن زنان، آنان را در حفظ محیط زیست و منابع طبیعی موثر می‌دانند و بر توانمندسازی آنان تاکید می‌کنند. برخی از نظریه‌ها به دلیل آن که زنان تجارب فراوانی در بهره‌برداری از منابع طبیعی و مدیریت آن دارند، بر ظرفیت‌سازی آنان تاکید می‌کنند و برخی از نظریه‌ها اشاره به نیروهای بالقوه‌ای از زنان می‌شود که این نیروها در حفاظت از منابع طبیعی توسط آنان نقش به‌سزایی دارند. پس می‌توان بیان کرد برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها در جهت به کارگیری نیروها و توانمندسازی زنان روستایی باید مورد توجه قرار گرفته و از آنان به عنوان نیروهای فعال مدیریت منابع طبیعی استفاده گردد (توفیق‌یان اصل و میزبان، ۱۳۹۲). بر اساس دیدگاه‌های مختلف، توانمندسازی زنان در مدیریت منابع طبیعی از ابعاد گوناگونی مورد بحث قرار گرفته است. در زیر برخی از مهمترین ابعاد آن که بوسیله برنامه‌های ترویج و توسعه کشاورزی و روستایی می‌توانند به تسهیل آن کمک کنند توجه شده است. از جمله این ابعاد عبارتند از: (۱) پتانسیل سازی اجتماعی زنان روستایی جهت مشارکت فعال زنان، (۲) رفع موانع



مشارکت زنان، ۳) بهبود ظرفیت های دسترسی به منابع مالی و فیزیکی و مدیریت آن ها و ۴) افزایش توانایی ها و قابلیت های فکری، روانی و دانشی آنان. این موارد در زیر به اختصار در دو بخش توضیح داده شده اند.

**الف) ظرفیت سازی و پتانسیل سازی اجتماعی زنان روستایی، رفع موانع مشارکت و بهبود دسترسی به منابع فیزیکی - مالی:**  
برخی موانع فعالیت و مشارکت زنان را به عوامل اقتصادی، فرهنگی و باورهای سنتی نسبت داده اند (توفیقیان اصل و میزبان، ۱۳۹۲). از نگاه برخی نویسندگان توانمندسازی زنان نیز با دو مشکل اساسی مواجه است که عبارتند از: عدم دسترسی یا دسترسی ناکافی به منابع مختلف از جمله منابع مالی، و قدرت ضعیف در مذاکره و گفتگو برای فراهم کردن شرایط بهتر برای زندگی شان (رضایی و زارعی، ۱۳۹۳). بنابراین با رفع این دو مشکل اساسی، زنان روستایی در مدیریت پایدار منابع طبیعی موفق تر خواهند بود. توانمندسازی زنان اشاره به ایجاد شرایطی دارد که طی آن زنان روستایی خودشان سرنوشت شان را تعیین کنند و به عنوان شرکای برابر در فعالیت های مختلف توسعه و رفاه عمومی خانوار، مشارکت و همکاری کنند. توانمندسازی لزوماً افزایش درآمد و یا طول عمر بیشتر نیست، بلکه استقلال در تصمیم گیری و اعتماد به نفس زنان منجر به توانمندی آنان در زمینه حقوقشان می شود (Maikhuri et al., ۲۰۱۱). استقلال در تصمیم گیری زنان روستایی در زمینه حقوق شان به شأن و منزلت و عزت نفس آنان مربوط می شود، به طوری که رفتار و گفتار آنان به طور واضح بیان کننده اعتماد به نفس و اطمینان خاطر بالای آنان باشد و با وجود عزت نفس بالا در امور مختلف تصمیم گیری و اجرای فعالیت های مختلف مشارکت داشته باشند، به طوری که زنان بتوانند در امور مختلف از جمله مسائل و مشکلات منابع طبیعی، ارزیابی صحیح و شناخت کافی داشته باشند و از ظرفیت ها و توانایی های خود در جهت حل این مسائل استفاده نمایند. برنامه های مرتبط با توانمندسازی زنان روستایی باید با تمرکز بر مشارکت افراد محلی و خود زنان روستایی انجام گردد، زیرا بدون همکاری و مشارکت آنان تحقق مدیریت پایدار امکان پذیر نخواهد بود (وٹوقی و قاسمی، ۱۳۹۳) و (Maikhuri et al., ۲۰۱۱). بنابراین زنان روستایی در صورتی می توانند اثربخشی لازم را در زمینه مدیریت موثر منابع طبیعی داشته باشند که ظرفیت های آنان و خانوارهایشان مورد بررسی قرار گرفته و نیازهای آنان به وضوح مشخص گردد. شناسایی نیازهای اساسی زنان به منظور توانمندسازی آنان از طریق درک به موقع عواقب رفتار آنان و توان و قدرت آنان در منابع مختلف امکان پذیر است (Valdivia & Gilles, ۲۰۰۱). با توجه به این که زنان قشر آسیب پذیر و محروم در جامعه هستند، همواره تلاش می شود از نظر سیاسی و اقتصادی نیز به آنان فرصت داده شود تا بهبود در وضعیت آنان در جامعه ایجاد شود که بهبود وضع از طریق توانمندسازی و ظرفیت سازی آنان در سطح توسعه روستایی امکان پذیر است (Maikhuri et al., ۲۰۱۱). ایجاد و تقویت تشکلهای زنان در جهت مدیریت مالی، بازاریابی، تامین نهاده ها، تصمیم گیری جمعی و اقدامات مشترک در فعالیت های مختلف حفاظت و احیای منابع طبیعی، تنوع سازی معیشت خانوارهای روستایی و فعالیت های کشاورزی و غیرکشاورزی را می توان به طور مشخص در توانمندسازی زنان روستایی اشاره داشت.

**ب) افزایش توانایی ها و قابلیت های فکری - دانشی و بهبود مشارکت زنان روستایی:** این نوع ظرفیت سازی یا توانمندسازی اگرچه با توانمندسازی بخش قبل در هم تنیده است، ولی تاکید بیشتر بر افزایش دانش و آگاهی و مهارت های زنان روستایی در راستای یادگیری فردی و اجتماعی آن ها در مدیریت منابع طبیعی است (کرمی دهکردی، ۱۳۹۴). در توانمندسازی زنان می توان شرایطی را فراهم کرد تا زنان به سطحی از توسعه فردی برسند که خود به طور مستقل بتوانند در امور مختلف و با توجه به خواسته ها و تمایلات خود امکان انتخاب داشته باشند، به طوری که بتوانند بر منابع مختلف (از جمله منابع مالی، فیزیکی و طبیعی) تسلط داشته یا آنها را مدیریت نموده و از منافع حاصل از آن بهره مند گردند. این فرآیند موجب ایجاد توانایی های جمعی در گروه های زنان می شود که این امر ممکن است موجب برطرف شدن تبعیض ها و نابرابری بین مردان و زنان گردد و یا ممکن است برای مقابله با تبعیض ها و نابرابری های جنسیتی تاثیرگذار باشد (توفیقیان اصل و میزبان، ۱۳۹۲). به منظور توانمندسازی زنان روستایی ابتدا باید شناسایی نیازها، اولویت ها، تنگناها و فرصت های آنان مورد توجه قرار گیرد و سپس آگاهی و اطلاعات لازم در زمینه نیازها و کمبودهای آنان به منظور ارتقاء دانش، مهارت و طرز تفکرات آنان که منجر به بهبود کیفیت زندگی خانواده آنان نیز می شود، ارائه گردد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹). زنان روستایی نقش بسیار مهم و کلیدی در عرصه های مختلف از جمله حفاظت از خاک، جنگل ها، بهره برداری از محصولات فرعی جنگل ها، مدیریت چرای دام، تولید نهال و از این قبیل دارند. به منظور



مدیریت پایدار این عرصه ها از لحاظ حفاظت، احیا و بهره برداری مناسب منابع طبیعی باید در جهت توانمندسازی و ظرفیت سازی زنان روستایی اقدام نمود (عسگری مقدم، ۱۳۸۷).

زنان روستایی به دلیل ارتباط ویژه‌ای که با آب و خاک، حیوانات و دیگر منابع طبیعی دارند به طور فطری در حفاظت از آن نقش قابل توجهی دارند. همچنین در جهت تامین سلامت و بهداشت خانواده، فرهنگ حفظ محیط زیست و منابع طبیعی را به سایر اعضای خانواده انتقال می‌دهند. البته همان گونه که زنان می‌توانند در جهت حفظ منابع طبیعی نقش موثر و مثبت داشته باشند، در صورت عدم آگاهی و عدم برخورداری از دانش و اطلاعات کافی در زمینه اهمیت منابع طبیعی، ممکن است در جهت تخریب این منابع نیز گام بردارند. بنابراین جهت ارتقاء دانش و آگاهی آنان در راستای اهمیت این منابع و توانایی‌های آنان و به کارگیری این توانایی‌ها در راستای حفظ منابع طبیعی باید زمینه‌های لازم ارتقا و توانمندسازی فکری آنان در زمینه‌های گوناگون با جلب همکاری و مشارکت آنان فراهم گردد. بنابراین توانمندسازی زنان روستایی باید با تمرکز بر مشارکت افراد محلی و خود زنان روستایی انجام گردد تا امکان تحقق مدیریت مشارکتی و پایدار فراهم گردد (توفیقیان اصل و میزبان، ۱۳۹۲؛ وثوقی و قاسمی، ۱۳۹۳ و عسگری مقدم، ۱۳۸۷). مطالعات حاکی از آن است که به منظور جلوگیری از تخریب منابع طبیعی و محیط زیست، مهم‌ترین و موثرترین روش، جلب مشارکت عمومی افراد یا استفاده از افراد کلیدی و مشاور قوی در جامعه روستایی و آگاه‌سازی افراد جامعه از جمله زنان روستایی می‌باشد و در جوامع روستایی نیز این امر مهم باید مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران قرار گیرد (توفیقیان اصل و میزبان، ۱۳۹۲).

در کشور ایران نیز در زمینه توانمندسازی زنان روستایی در مدیریت منابع طبیعی، علاوه بر پروژه‌های ملی و استانی ارائه شده توسط مدیریت های ترویج کشاورزی سازمان های جهاد کشاورزی و اداره‌های کل منابع طبیعی استان‌ها، پروژه‌های بین المللی از قبیل ترسیب کربن، منارید، حبله رود و جایکا با مشارکت یا سازمان‌ها و اداره ها و جوامع روستایی انجام گرفته است (کریمی دهکردی، ۱۳۹۴). در همه این طرح‌ها نیز بر مشارکت مردم محلی به ویژه زنان و دختران محلی توجه شده است. طی این طرح‌ها افراد محلی ضمن این که در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌های حفاظت منابع طبیعی نقش پررنگ دارند؛ مسئولیت‌پذیری و استقلال لازم در این برنامه‌ها را تجربه کرده و این گونه اقدامات در تامین معیشت آنان نیز نقش داشته است. بدین ترتیب خود افراد پاسخگوی برآورده کردن معیشت خود هستند و باعث مدیریت مناسب و جامع منابع طبیعی و بهره‌وری پایدار خواهند شد (عسگری مقدم، ۱۳۸۷ و فال سلیمان و همکاران، ۱۳۹۱). از اقدامات دیگر انجام شده در سطح کشور در زمینه ظرفیت‌سازی زنان روستایی می‌توان به تشکیل سازمان‌های غیر دولتی اشاره نمود که این سازمان‌ها در استان‌های مختلف کشور با نام‌های مختلف ریحانه‌سبز، پرستوی کویر و جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست تشکیل شده‌اند (عسگری مقدم، ۱۳۸۷). بنابراین به وضوح می‌توان بیان کرد که ارائه اطلاعات و آگاهی به زنان روستایی پیرامون حفظ و احیای منابع طبیعی و وجود پستوانه مالی مناسب، تسهیل کننده توانمندسازی در جامعه روستایی است و با برگزاری دوره‌های آموزشی مناسب در زمینه حفظ منابع طبیعی، دانش و مهارت افراد افزایش یافته و فرصت‌های لازم برای توانمندسازی زنان و تقویت اعتماد به نفس، خودباوری، استقلال و روحیه مدیریتی در آنان فراهم می‌گردد و بدین طریق تقویت و بهبود ظرفیت‌های انسانی در جامعه روستایی صورت می‌گیرد (وثوقی و قاسمی، ۱۳۹۳؛ توفیقیان اصل و میزبان، ۱۳۹۲ و کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹). طبق نتایج حاصل از مطالعات مختلف بالا بودن میزان تحصیلات زنان، برخورداری از وضعیت اقتصادی مناسب، بهبود وضع بهداشتی و سلامتی زنان و خانواده آنان، داشتن حق مالکیت قانونی، رفع باورهای نادرست و سنتی و رفع تبعیض از بازار کار از عوامل مهم تاثیرگذار بر توانمندسازی زنان می‌باشند (فال سلیمان و همکاران، ۱۳۹۱). با توجه به این که زنان روستایی و عشایری، آگاهی و مهارت‌های حرفه‌ای لازم در زمینه مدیریت منابع طبیعی ندارند، آنان باید در زمینه نقش حیاتی منابع پایه آب، هوا، خاک، طبیعت، جنگل و غیره در زندگی خود و دیگران آگاهی علمی و اصولی لازم را کسب نمایند و مهارت‌های ویژه را در جهت حفظ منابع ذکر شده فراگیرند (نمونه ای از این گونه نیازها و قابلیت‌های لازم در مربع شماره ۱ آمده است). برای ارائه اطلاعات مناسب به افراد و پی بردن به استعدادها و توانایی‌های موجود آنان می‌توان از طریق برنامه‌های ترویج به برگزاری دوره‌ها، جلسات، کارگاه‌ها و بازدیدهای ترویجی در حیطه‌های مختلف مدیریت منابع طبیعی از جمله شکل سازی و بهبود شکل های موجود و افزایش دانش، مهارت‌ها و یادگیری اجتماعی پرداخت.



### مربع شماره ۱: نیازهای زنان روستایی در حفاظت و بهره برداری از منابع طبیعی

در بعد آگاهی بخشی و افزایش مهارت های زنان روستایی در حفاظت و بهره برداری از منابع طبیعی می توان موارد زیر را مورد توجه قرار داد (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۰):

(الف) تهیه مواد سوختی و هیزم مورد نیاز: این کار بیشتر توسط زنان روستایی انجام می شود و اگر آگاهی های لازم به این افراد ارائه گردد آنان در جمع آوری مواد سوختی کمتر به سرشاخه درختان و یا بوته های مرتعی آسیب می رسانند که این امر به مرور زمان در جلوگیری از تخریب جنگل ها و مراتع موثر است.

(ب) نقش زنان در بهره برداری مناسب از محصولات فرعی مراتع و جنگل ها: در این زمینه نیز باید آموزش های لازم در بهره برداری از جنگل ها و مراتع از طریق برگزاری دوره های آموزشی و بازدیدهای روستایی و ... به زنان ارائه گردد. در مناطق خشک و نیمه خشک گیاهانی که قابلیت رشد و باردهی مناسب دارند، کاشته شوند که هم زنان روستایی از این گیاهان منبع درآمد داشته باشند و هم این گیاهان به تثبیت شن های روان کمک کنند، مثل: بادام، سنجد و از این قبیل.

(ج) نقش زنان در احیای مراتع تخریب یافته: در اجرای پروژه های مربوط به احیای مراتع (بذرکاری، بذرپاشی، بوته کاری، کپه کاری و از این قبیل)، استفاده از مشارکت زنان و اختصاص منافعی برای آنان در موفقیت این طرح ها موثر است.

(د) نقش زنان در احیای جنگل ها: در برخی از نهالستان ها که تکثیر و پرورش انواع گونه های سوزنی برگ و پهن برگ برای تامین چوب مورد نیاز و احیای و توسعه جنگل های تخریب شده می باشد زنان روستایی فعالیت دارند و در مراحل کاشت، داشت و برداشت نقش فعالی دارند و از نظر میزان فعالیت های تولیدی و توان تخصصی آنان، سرعت عمل بیشتری دارند.

### نتیجه گیری و پیشنهادها

یکی از روش های مهم و تاثیرگذار در حفاظت از منابع طبیعی و تحقق مدیریت پایدار این منابع، تواناسازی و ظرفیت سازی مردم محلی جوامع روستایی به ویژه زنان روستایی است. با ظرفیت سازی جامع روستاییان نه تنها آنان به ارزش های منابع طبیعی اطراف خود پی می برند بلکه این امر مهم نیز برای آنان آشکار می شود که معیشت آنان که وابسته به منابع طبیعی موجود است، می تواند برای نسل های آینده نیز حفظ گردد و بدین ترتیب در جهت حفظ و احیای این منابع، مشارکت بهتری خواهند داشت. بنابراین باید به افراد جوامع روستایی در جهت پی بردن آنان به ظرفیت های موجودشان و ظرفیت سازی توانایی های نهفته آنان توجه لازم نمود و با برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های مناسب به بهبود مدیریت پایدار منابع طبیعی کمک نمود. به منظور جلب مشارکت مردم محلی و از جمله زنان باید به طور عملی و همگام با آنان کار کرد و از طریق برنامه های ترویجی علاوه بر جلب مشارکت آنان و آموزش به آن ها در زمینه های گوناگون حفظ منابع طبیعی، از روش های توانمندسازی مناسب نیز بهره گرفت. البته در زمینه جلب مشارکت مردم محلی قابل توجه است که فعالیت های ظرفیت سازی افراد بهتر است توسط ذینفعان محلی که سازمان های غیردولتی را تشکیل می دهند، انجام گردد. سازمان های غیردولتی واسطه بین مردم جامعه روستایی و دولت هستند و تاثیرگذاری بیشتری در ظرفیت سازی افراد دارند و منجر به بهبود مدیریت پایدار منابع طبیعی توسط مردم محلی می شوند و در زمینه توانمندسازی نیز، به عنوان تسهیل گر در ارائه خدمات به جامعه روستایی می باشند. این تشکل ها و فعالیت آنان در بهبود وضع جامعه روستایی در زمینه های گوناگون مادی، دانش و اطلاعات و آگاهی آنان به منظور تعامل با دولت نقش اساسی دارند. روش های گوناگونی در جهت ظرفیت سازی جوامع روستایی وجود دارد و در برخی روش ها تاکید بر استفاده از افراد کلیدی محلی می شود که نسبت به حفظ منابع طبیعی حساس شوند. در این روش، افراد کلیدی با داشتن دانش و آگاهی اولیه و نگرش مثبت و حساس نسبت به حفظ و احیای منابع طبیعی پیرامون خود، می توانند در راستای مدیریت جامع و پایدار گام موثری بردارند. در ظرفیت سازی افراد باید بین دیدگاه و نگرش های جامعه محلی و اهداف استراتژیک منطقه ای و ملی تعادل مناسبی برقرار باشد. در افزایش جلب مشارکت زنان روستایی، تشکیل گروه های مستقل از روش های موثری می باشد که در این روش، افراد محلی از مزایای تشکل های جمعی و قدرت ناشی از آن بهره مند می شوند. در فرآیند توانمندسازی نیز تلاش می شود زمینه های ضعف افراد تقویت شده و بر آنان کمک شود تا بر ضعف و کاستی های خود غلبه نمایند و جنبه های





مثبت زندگی‌شان را بهبود بخشند و از مهارت‌ها و استعدادهایشان در جهت زندگی بهتر استفاده نمایند. در مدیریت پایدار منابع طبیعی، آگاه‌سازی زنان روستایی نسبت به پیامدهای منفی تخریب این منابع، مشارکت آنان در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های حفظ منابع و استفاده از دانش بومی افراد باید مورد توجه ویژه باشد. جلب مشارکت مردم محلی منجر به کاهش هزینه‌ها و افزایش سرعت در روند اجرای برنامه‌های مدیریتی می‌شود. استفاده از روش‌ها و طرح‌های مناسب حفاظت منابع در جهت توانمندسازی زنان منجر به واگذاری برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها در منطقه مورد مطالعه می‌شود و این امر منجر به استقلال و مسئولیت‌پذیری افراد می‌شود. در زمینه توانمندسازی افراد نیز باید محدودیت‌های اقتصادی و مالی و الزامات سیاسی یا نگرانی‌ها و دغدغه‌های اجتماعی برای حفظ منابع طبیعی برطرف گردد؛ به گونه‌ای که شرایطی فراهم گردد تا زنان روستایی در امور مختلف و با توجه به خواسته‌ها و تمایلات خود امکان انتخاب داشته باشند و بر منابع مختلف مالی دسترسی داشته باشند.

## منابع

- اسحاقی، س.ر.، رضایی، ر.، حجازی، س.ی.، شیری، ن.، و قدیمی، س.ع. (۱۳۹۲). تحلیل عوامل موثر بر مشارکت روستاییان در طرح‌های حفاظت از منابع طبیعی. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی*، دوره ۴۴، شماره ۳، صص ۴۷۱-۴۶۳.
- اصغری لقمجانی، ص.، و محبی، ز. (۱۳۹۱). ضرورت آموزش روستاییان در جهت حفاظت از منابع طبیعی و توسعه پایدار روستایی. اولین همایش ملی توسعه پایدار در مناطق خشک و نیمه خشک، ابرکوه، ۲۷ اردیبهشت، صص ۱۱-۱.
- اکبری، ح. (۱۳۹۱). نقش زنان در توسعه پایدار محیط‌زیست. *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، شماره ۴، صص ۵۶-۳۷.
- توفیقیان اصل، س. ف.، و میزبان، م. (۱۳۹۲). توانمندسازی مدیریت زنان روستایی جهت حفاظت از محیط‌زیست (مطالعه موردی: دهستان رستم یک، شهرستان رستم). سومین کنفرانس بین‌المللی برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌زیست، تهران، ۵ آذر، صص ۸-۱.
- حسن شاهی، ه.، ساداتی، س. الف.، و رضایی، ع. (۱۳۸۸). تحلیل مدیریت پایدار منابع طبیعی در بین کشاورزان شهرستان بهبهان (مطالعه موردی در استان خوزستان). *فصلنامه علوم محیطی*، سال ۷، شماره ۲، صص ۱۸۰-۱۶۹.
- رضایی، ر.، و زارعی، ش. (۱۳۹۳). بررسی دیدگاه زنان روستایی درباره تاثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی آنان (مورد مطالعه: روستای حسن خان، شهرستان قروه). *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۳۰۴-۲۸۷.
- رضایی، ع.، حسینی، س.م.، و اسدی، ع. (۱۳۹۴). تحلیل شبکه تبادل اطلاعات در راستای مدیریت پایدار منابع طبیعی (منطقه مورد مطالعه: حوضه البرز در استان مازندران). *مجله منابع طبیعی ایران*، دوره ۶۸، شماره ۱، صص ۷۹-۶۵.
- سیدکلان، م.، صوری، ص.، و عبادی، س. (۱۳۹۰). نقش آموزش در ارتقا فرهنگ شهروندی مبتنی بر توسعه پایدار. اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴، تهران، ۸-۷ آبان، صص ۱۰-۱.
- ضرابی، م. (۱۳۹۱). نقش آموزش زنان روستایی در حفاظت از محیط زیست. ششمین همایش ملی و نمایشگاه تخصصی مهندسی محیط زیست، تهران، ۲۷ آبان تا ۱ آذر، صص ۱۰-۱.
- عزیزی، س.ن.، مهدوی، م.، و جوادی، م. (۱۳۹۰). مکان‌یابی پروژه‌های اصلاح و احیاء مرتع با استفاده از GIS و مقایسه آن با طرح‌های مرتعداری و دانش بومی مرتعداران در مراتع جاشلوبار مهدیشهر. *فصلنامه علمی تخصصی اکوسیستم‌های طبیعی ایران*، سال اول، شماره ۳، صص ۲۰-۱۳.
- عسگری مقدم، ز. (۱۳۸۷). نقش زنان در بیابان زدائی و توسعه پایدار منابع طبیعی. *ماهنامه کشاورزی و غذا*، شماره ۶۹، صص ۶۱-۵۸.
- غنیان، م.، خانی، ف.، و قدیری معصوم، م. (۱۳۸۷). نقش زنان روستایی در بهره‌برداری، حفاظت و احیاء عرصه‌های طبیعی بیابانی (مطالعه موردی استان خوزستان). *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۱۹.



- فال سلیمان، م.، صادقی، ح.، و موحدی پور، م. (۱۳۹۱). تحلیلی بر نقش پروژه ترسیب کربن در توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: حسین آباد غیناب- شهرستان سربیشه). *فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه ریزی منطقه ای*، سال دوم، شماره ۸، صص ۲۷-۱۳.
- قدیری معصوم، م.، رضوانی، م.، جمعه پور، م.، و باغیانی، ح. (۱۳۹۴). سطح بندی سرمایه های معیشتی در روستاهای گردشگری کوهستانی مورد: دهستان بالا طالقان در شهرستان طالقان. *فصلنامه اقتصاد و توسعه روستایی*، سال چهارم، شماره ۲، صص ۱۸-۱.
- کرمی دهکردی، الف. (۱۳۹۴). شناخت ظرفیت ها و نیازهای اجتماعات روستایی در راستای مدیریت جامع و مشارکتی حوزه آبخیز قزل تپه در استان زنجان. زنجان، اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان زنجان.
- کرمی دهکردی، الف.، و فرخی، ص. (۱۳۸۸). مدیریت پایدار حوزه های آبخیز و نیازهای یادگیری روستاییان (مطالعه موردی: حوزه آبخیز فش). نخستین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، کرمانشاه، ۱۰ اردیبهشت، صص ۹-۱.
- کریمی، ک.، و کرمی دهکردی، الف. (۱۳۹۴). بهره برداری از مراتع و لزوم متنوع سازی معیشت خانوارهای روستایی مطالعه موردی: شهرستان ماهنشان. *پژوهش های روستایی*، دوره ۶، شماره ۲، صص ۳۶۸-۳۴۳.
- کلانتری، خ.، شعبانعلی فمی، ح و سروش مهر، ه. (۱۳۸۹). بررسی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی شهرستان همدان). *مجله توسعه روستایی*، دوره اول، شماره ۲، صص ۱۲۴-۱۰۷.
- لشگرآرا، ف.، داورپناه، م.، و جوادی، س. الف. (۱۳۹۴). شناسایی عوامل موثر در عدم مشارکت مرتع داران در اجرای طرح های مرتعداری در شهرستان کهگیلویه. *مجله منابع طبیعی ایران*، دوره ۶۸، شماره ۱، صص ۴۶-۳۵.
- محمودی، ج.، حیدری، ق.، و میربزرگی، س. ع. (۱۳۹۰). موانع پذیرش پروژه مدیریت چرا از دیدگاه کارشناسان منابع طبیعی (مطالعه موردی: مراتع ییلاقی مازندران). *مجله تحقیقات منابع طبیعی تجدید شونده*، سال دوم، شماره ۴، صص ۹-۱.
- مهدوی، س. خ.، محمودی، ج.، و سوری، م. (۱۳۹۰). اهمیت مشارکت زنان در حفظ منابع طبیعی. دومین همایش منطقه ای توسعه پایدار منابع طبیعی در حاشیه جنوب دریای خزر، نور، ۲۴ آذر ماه، صص ۲۱-۱.
- مهردوست، خ.، شمس، ع.، و کرمی دهکردی، الف. (۱۳۹۲). عوامل موثر بر سطوح مشارکت مردم روستایی در پروژه های آبخیزداری (مطالعه موردی: حوزه های آبخیز درو فرامان و لعل آباد شهرستان کرمانشاه). *فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی*، دوره ۴۴، شماره ۳، صص ۴۰۹-۳۹۹.
- وثوقی، ل.، و قاسمی، م. (۱۳۹۳). اکوتوریسم و توانمندسازی زنان روستایی (مورد مطالعه: روستای شیب دراز، جزیره قشم). *فصلنامه هنر در توسعه و سیاست*، دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۶۰۱-۵۹۳.
- ویسی، ه.، و رضوانفر، الف. (۱۳۸۵). تدوین راهبردهای مناسب برای مدیریت مشارکتی منابع طبیعی: تحلیل میدان نیروی مسائل و مشکلات منابع طبیعی. *فصلنامه علوم محیطی*، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۲۲-۱۱.
- هاتفی، م. (۱۳۹۲). لزوم مشارکت زنان روستایی در حفاظت از منابع طبیعی تجدیدشونده و تحقق توسعه پایدار. اولین همایش سراسری کشاورزی و منابع طبیعی، تهران، ۱۰ بهمن، صص ۸-۱.

Adato, M., & Meinzen-Dick, R. (۲۰۰۲). Assessing the impact of agricultural research on poverty using the sustainable livelihoods framework .

FAO. (۲۰۱۵). Faostat population. Rome: FAO.

Gaillard, J., Maceda, E.A., Stasiak, E., Le Berre, I., & Espaldon, M.V. (۲۰۰۹). Sustainable livelihood and people s vulnerability in the face of coastal hazards. *Jornal of Coastal Conservation*, ۱۳(۲-۳), ۱۱۹-۱۲۹ .

Kabeer, N. (۲۰۰۵). Gender equality and women's empowerment: A critical analysis of the third millennium development goal ۱. ۱۳(۱), ۱۳-۲۴ .

Karamidehkordi, E. (۲۰۱۰). A country report: Challenges facing iranian agriculture and natural resource management in the twenty-first century. *Human Ecology*, ۳۸(۲), ۲۹۵-۳۰۳. doi: ۱۰,۱۰۰۷/s۱۰۷۴۵۰۰۱۰۰۹۳۰۹۳

Karamidehkordi, E. (۲۰۱۲). *Sustainable natural resource management, a global challenge of this century*: INTECH Open Access Publisher.



- Krantz, L. (۲۰۰۱). The sustainable livelihood approach to poverty reduction. *SIDA. Division for Policy and Socio-Economic Analysis*.
- Maikhuri, R., Rawat, L., Negi, V.S., Farouque, N., Rao, K., Purohit, V., . . . Saxena, K. (۲۰۱۱). Empowering rural women in agro-ecotechnologies for livelihood improvement and natural resource management: A case from Indian central Himalaya. *Outlook on AGRICULTURE*, ۴۰(۳), ۲۲۹-۲۳۶.
- Nunan, F. (۲۰۰۶). Empowerment and institutions: Managing fisheries in Uganda. *World Development*, ۳۴(۷), ۱۳۱۶-۱۳۳۲. doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.worlddev.2005.11.016>
- Pimentel, D., & Burgess, M. (۲۰۱۳). Soil erosion threatens food production. *Agriculture*, ۳(۳), ۴۴۳-۴۶۳.
- Scheyvens, R. (۲۰۰۰). Promoting women's empowerment through involvement in ecotourism: Experiences from the third world. *Journal of Sustainable Tourism*, ۸(۳), ۲۳۲-۲۴۹. doi: 10.1080/09669580008667360
- Shackleton, S., Paumgarten, F., Kassa, H., Husselman, M., & Zida, M. (۲۰۱۱). Opportunities for enhancing poor women's socioeconomic empowerment in the value chains of three African non-timber forest products (NTFPs). *International Forestry Review*, ۱۳(۲), ۱۳۶-۱۵۱.
- Valdivia, C., & Gilles, J. (۲۰۰۱). Gender and resource management: Households and groups, strategies and transitions. *Agriculture and Human Values*, ۱۸(۱), ۵-۹. doi: 10.1023/A:1007608717996
- Woodhouse, P., Howlett, D., & Rigby, D. (۲۰۰۰). A framework for research on sustainability indicators for agriculture and rural livelihoods. Working paper ۲, research project no. R۷۰۷۶ca *Sustainability Indicators for Natural Resource Management & Policy*. London: Department for International Development.